

## بررسی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت در ایران

دکتر یدالله دادگر\* روح‌الله نظری\*\*

پذیرش: ۸۷/۹/۱۰

دریافت: ۸۶/۱۱/۱۰

اندازه دولت / جهانی شدن تجارت / رشد اقتصادی / خود رگرسیون برداری / اقتصاد ایران

### چکیده

ارتباط میان جهانی شدن تجارت و اندازه دولت از موضوعات مهمی است که بیشتر بعد از مطالعه رودریک (۱۹۹۸) در اقتصاد بخش عمومی و مالیه عمومی مطرح شد. رودریک برای ۲۳ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نشان داد که هر چه اقتصاد بازتر شود اندازه دولت نیز می‌تواند بزرگ‌تر شود. ما در این مقاله به بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اندازه دولت در ایران طی دوره‌ی ۱۳۵۳-۱۳۸۵ می‌پردازیم. لذا بر اساس متغیرهای رشد اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد، شاخص صنعتی شدن، تورم و اندازه دولت و با استفاده از متدولوژی خود رگرسیون برداری و تحلیل شوک‌ها و تجزیه واریانس به بررسی این موضوع پرداختیم. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که جهانی شدن تجارت در ایران باعث رشد اندازه دولت گردیده و بیشترین توضیح‌دهندگی رشد اندازه دولت را در اقتصاد ایران نشان می‌دهد. لذا می‌توان بر اساس این مقاله نتیجه گرفت که پیوستن به سازمان تجارت

\* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* کارشناس ارشد علوم اقتصادی

■ دکتر دادگر مسئول مکاتبات

جهانی می تواند با ریسک‌های خارجی بیشتری همراه باشد و به دنبال آن هزینه ای تحمیل نماید که آثار سوئی بر شرایط اقتصادی اجتماعی داشته باشد. از این رو دولت باید از هم کنون به دنبال راه‌حل‌های مناسب جهت مقابله با ریسک‌های بین‌المللی باشد.

طبقه‌بندی **JEL**: F01, F13



## مقدمه

در طول تاریخ، انگاره‌ها درباره نقش دولت، تغییر و تحول چشم‌گیری یافته است و تحولات اقتصادی بیست سال اخیر در سطح جهانی، این روند را سرعت بخشیده است. پایان جنگ سرد و فروپاشی اقتصادهای متمرکز و تحت کنترل، بروز بحران‌های مالی در دولت‌های رفاه و موقعیت چشم‌گیر برخی از کشورهای شرق آسیا در تسریع رشد اقتصادی و کاهش فقر، به علاوه بحران دولت‌های ناتوان در آفریقا، همه و همه، مفاهیم و تصورات موجود را درباره جایگاه دولت در جهان و نقش بالقوه‌ی آن در تأمین رفاه بشری به چالش طلبیده است. مفهوم جدید دیگر، وضعیت دولت در عصر جهانی شدن اقتصاد است که سؤال‌های فراوانی را پیش روی دانشمندان و دولت‌ها قرار داده است. سؤالاتی از این قبیل که اصولاً ویژگی‌های دولت در عصر جهانی شدن اقتصاد کدام است؟ آیا دولت نسبت به قبل از فرآیند جهانی شدن کوچک‌تر می‌شود؟ آیا ممکن است در عصر جهانی شدن اقتصاد، دولت تماماً کنار برود؟ یا حتی می‌توان تصور کرد که دولت به همراه جهانی شدن، بزرگ‌تر شود؟ این سؤال‌ها و صدها سؤال دیگر محور اساسی اندیشه نقش دولت در عصر جهانی شدن اقتصاد می‌باشد. درجه‌باز بودن اقتصاد، توسعه‌یافتگی و تنوع اقتصادی را منعکس می‌کند. بنابراین هر چه تکیه اقتصاد به تجارت خارجی بیشتر باشد تقاضا برای مخارج دولت برای حفظ ثبات بیشتر خواهد بود. همچنین هدف‌گیری سیاست‌های دولت در حمایت از اقتصاد داخلی در مقابل نوسانات ایجاد شده در کشورهای خارجی باعث افزایش مخارج دولت می‌شود. بنابراین سرمایه‌گذاری نسبتاً زیاد خارجی به افزایش مخارج دولت منجر می‌شود.<sup>۱</sup> پذیرش ایران در سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر در سازمان تجارت جهانی اهمیت و ضرورت بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اندازه دولت در ایران را می‌افزاید. لذا بر این اساس، این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد.

**دولت و اندازه‌ی آن در اقتصاد:** دولت یکی از موضوعات یا پدیده‌هایی است که زندگی انسان آکنده از آن است و ردپای آن در همه جای زندگی بشر موجود است. واژه

1. Bhat, 1996.

دولت از یک ریشه لاتینی به معنی ایستادن و به صورت دقیق‌تر از واژه Status به معنی یک امر مستقر و پا برجا مورد اشاره واقع شده است. این مفهوم به صورت بسیار ظریفی از سطح کاربرد در مورد افراد به سطح کاربرد در مورد نهادها و قدرت سیاسی انتقال یافته است.<sup>۱</sup> دولت در متون ادبی به معنی ثروت، نیک‌بختی و رونق<sup>۲</sup> و از نظر سیاسی به معنای سلطنت، اقتدار، حکومت، قدرت، فرمانروایی، قوه مجریه، مملکت، هیأت وزیران، نظام سیاسی، جمع سه قوه (مجریه، قضاییه، مقننه) و هیأت حاکمه به کار رفته است.<sup>۳</sup> از آنجا که دو واژه «دولت»<sup>۴</sup> و «حکومت»<sup>۵</sup> گاهی به صورت مترادف به کار می‌روند، لازم است که تفاوت آنها روشن گردد.<sup>۶</sup> دولت در معنای وسیع کلمه به نهادهایی که دارای قدرت مشروع هستند و آن را بر قلمرویی مشخص اعمال می‌کنند اطلاق می‌شود. دولت قدرت انحصاری برقراری نظم در محدوده قلمرو خود را، از طریق حکومت سازمان یافته، دارد.<sup>۷</sup> افراد متشکل یک جامعه شکل حکومت را می‌توانند عوض کنند و با وضع نظامات جدید اقتصادی یا اجتماعی و یا سیاسی، حکومت را تغییر شکل بدهند، ولی نمی‌توانند دولت را از میان ببرند.<sup>۸</sup>

**مبانی حدود دخالت دولت در اقتصاد:** افراط و تفریط در طول تاریخ اقتصادی بشر هم در مکاتب فکری و هم در تجارب کشورهای مختلف به وضوح دیده می‌شود. از منظر مداخله دولت در امور اقتصادی، تاریخ نظام‌های بشر جدال دو اندیشه موافق و مخالف با دخالت دولت در اقتصاد بوده است. در حالی که برخی به شدت با دخالت دولت در

۱. وینسنت، ۱۳۷۱.

۲. غفاری، ۱۳۸۳.

۳. دادگر و نظری، ۱۳۸۵.

4. State.

5. Government.

۶. اکنون در محافل علمی، تعریف جدیدتری از دولت صورت می‌گیرد. این موضوع ابتدا در قالب «دولت-ملت» (Nation-State) مطرح بوده است و بعدها در قالب عناوین مستقل دولت (Government) و حکومت (state) شکل گرفت. با اینکه بین این دو اصطلاح حکومت و دولت در علوم سیاسی و ژئوپولیتیک تفاوت ظریفی وجود دارد، اما در نوشته‌های اقتصادی، عملاً به صورت مترادف به کار می‌رود.

۷. بانک جهانی، ۱۳۷۸، ص ۴۷.

۸. غفاری، ۱۳۸۳، ص ۱۶.

اقتصاد مخالفند، گروهی دیگر حداکثر قدرت، اقتدار و اختیار را برای دولت قائل بوده که می‌تواند و باید در کلیه عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی وارد عمل شود. در یک تقسیم‌بندی کلی در این باره که دولت در حوزه اقتصادی چه نقشی دارد و میزان دخالت آن در چه حدی باید باشد چند دوره را می‌توان از هم تفکیک کرد که می‌توان مهم‌ترین آنها را دوره‌های کلاسیک، بحران کبیر (یا دوره بین دو جنگ) و دوره سیطره نئولیبرالیسم نامید. دوره اول از قرن هجدهم با تحولات صنعتی در انگلستان آغاز شد و همراه با اندیشه‌های اقتصاددانان کلاسیک بود. مشخصه اساسی نظام اقتصادی در این دوره دخالت محدود دولت در امور اقتصادی است و وظایف آن با آنچه آدام اسمیت به عنوان وظایف اساسی دولت طرح کرده بود، انطباق داشت؛ یعنی تأمین امنیت عمومی، دفاع از تمامیت ارضی کشور و سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که به تولید کالاهای عمومی می‌پردازند نظیر آموزش و پرورش. به عبارت دیگر، دولت تنها اموری را بر عهده می‌گرفت که از توان بازار و بخش خصوصی به دور بود. این دوره، به رغم انتقادهای تندی که از چنین نظام اقتصادی می‌شد، تا قرن بیستم استمرار یافت. دوره دوم که دوره بین دو جنگ جهانی اول و دوم نیز قابل نام‌گذاری است، در نیمه اول قرن بیستم قرار دارد. این دوره از اواخر جنگ جهانی اول تا آستانه جنگ جهانی دوم ادامه یافت. دو واقعه انقلاب کبیر ۱۹۱۷ و بحران بزرگ اقتصادی اروپا و آمریکا (۱۹۳۴-۱۹۲۹) سبب شد که دولت در حوزه اقتصادی نقش بیشتری ایفا کند. با انقلاب ۱۹۱۷ که اندیشه اقتصادی سوسیالیستی در عمل برای تقریباً ۷۰ سال پیاده شد. دولت به طور کامل زمام امور را در عرصه اقتصادی بدست گرفت و مجالی برای بخش خصوصی باقی نگذارد. با بحران بزرگ، دولت اقتصادهای موسوم به سرمایه‌داری را به عنوان مکمل بخش خصوصی در عرصه سرمایه‌گذاری وارد عمل نمود و در نهایت اندیشه‌های کینزی در قالب «دولت رفاه» تبلور یافت. در ربع پایانی قرن بیستم دوره بازگشتی به سوی اندیشه‌های دوره‌ی اول بوجود آمد و رویکرد موسوم به "نئولیبرالیسم" توانست اندیشه‌های دولت‌گرای سوسیالیستی و کینزی را تضعیف کرده و در مواردی از صحنه خارج کند. در این دوره ناتوانی نظام‌های سوسیالیستی در پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و تقاضای مصرفی افراد، ناتوانی دولت‌های رفاه در حل معضل رکود تورمی

در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری زمینه را برای احیای رویکرد «لیبرالیسم» در قالب‌های فکری جدید فراهم نمود. دو رویکرد در توجیه تحولات جدید نسبت به دولت در اواخر دهه ۱۹۶۰ به بعد مطرح است، یکی رویکردی فنی و تکنولوژیک و دیگری رویکردی ایدئولوژیک می‌باشد. رویکرد تکنولوژیک ادعا دارد که گسترش وسیع و فراگیر تکنولوژی در آستانه دهه ۱۹۷۰ و وجود برخی ناکارآمدی‌های رژیم‌های تمامیت‌خواه در اقتصاد، بصورتی طبیعی اوضاع را به سوی توجه بیشتر به بخش خصوصی و بازار پیش می‌برد. اما در رویکرد ایدئولوژیک هدف اساسی حاکمیت آزادی‌های فردی در عرصه اقتصاد (سازگاری با عرصه سیاست) و احیای انگیزه سنتی (دست کاملاً نامرئی) و سیطره سرمایه‌داری می‌باشد.

بحث از حاکمیت نظم نوین جهانی، اعلام عصر پایان ایدئولوژی، فراگیری عقاید نئومحافظه‌کاران و فرهنگ انگلوساکسونی و مکمل شدن آن با قرائت به خصوصی از جهانی‌سازی، همراه این موج جدید بود.<sup>۱</sup> به هر حال، تحت تأثیر فضای حاکم بر جهان، حتی اقتصاددانان هم در موضع انفعالی قرار گرفتند. اما جالب توجه است که در چنین شرایطی که رویکرد «نئولیبرالیسم»<sup>۲</sup> ایده «دولت حداقل» را به شدت طرح و عدم اجرای آن را با مجازات نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول پاسخ می‌داد، بانک جهانی در گزارش

۱. موشاکوچی (۱۳۸۰).

۲. طور کلی دو نگرش افراطی از جایگاه دولت در عصر جهانی شدن وجود دارد: در یک نگرش، قدرت دولت در فرایند جهانی شدن رو به زوال و اضمحلال خواهد بود و به حداقل ممکن خواهد رسید که سیطره بازار و بخش خصوصی در این نگرش، برجسته و مملوس است، و از سوی دیگر، نگرش نئولیبرالیسم معتقد است که در عصر جهانی شدن، وظایف و قدرت و اختیارات دولت بیش از هر زمان خواهد بود؛ زیرا فرایند جهانی شدن به همراه خود اختلالات فراوانی را ایجاد می‌کند که لازم است دولت‌ها برای تصحیح آن اختلالات، با شدت بیشتری در اقتصاد حضور پیدا کنند. در این میان، نگرش‌های بینابینی هم وجود دارد. براساس پارادایم جهانی‌سازی، شدت جریان سرمایه در جهان و حاکمیت و فراگیری بازار رقابت به گونه‌ای است که بر محدوده‌ی دخالت دولت در اقتصاد، تأثیر عمده‌ای خواهد داشت. در قالب تفکر نئولیبرال، در عصر جهانی شدن، دولت‌ها تنها نقش یک دلال را بازی می‌کنند که نیازهای اقتصاد جهانی را به اقتصاد داخلی انتقال می‌دهند. بدیهی است که با فرض پذیرش قرائت کاملاً بازارگرایانه از جهانی شدن و با قبول منطق نئولیبرالیسم، دخالت دولت در اقتصاد سیر قهقرایی خواهد داشت و به صفر خواهد گرایید. حقیقت آن است که تئوری نئولیبرال تنها یک قرائت از دخالت دولت در فرایند جهانی شدن است که یکی از زیرساخت‌های این تفکر، بزرگ‌نمایی خطرات دولت و وحشت‌زا جلوه دادن آن می‌باشد.

سال ۱۹۹۷ بر نقش مثبت دولت در تغییر و تحولات اقتصادی تأکید کرده، و این نقش را فراتر از آن چیزی می‌داند که در چارچوب (دولت حداقل) وجود دارد. در این گزارش بانک جهانی رویکرد مداخله‌گرایانه را به اقتصاد رد می‌کند و به طرح رویکردی می‌پردازد که آن را «دولت موافق بازار»<sup>۱</sup> می‌نامند. در این رویکرد، دولت نهادی است که از طریق اقدامات مختلف بویژه اقدامات قانونی و مقرراتی باید شرایط مناسبی برای کارکرد کارآمد اقتصاد فراهم کند، و در عین حال در حوزه‌های مختلفی که بازار به علت شرایط نهادی و سازمانی در کشورهای توسعه نیافته قادر به پاسخ‌گویی به خواسته‌های جامعه نیست، دخالت کند.<sup>۲</sup> اواسط دهه ۱۹۹۰ با ورود مقوله‌های جهانی‌شدن و جهانی‌سازی به مراحل جدید و تشکیل WTO، بحث حضور دولت در اقتصاد دستخوش تغییرات و تحولات دیگری گردید. در این اوضاع و احوال نیز رویکردهای دیگری از حضور دولت مورد تأکید و یا پیش‌بینی قرار می‌گرفت. نئومحافظه‌کاران و نئولیبرال‌ها دوباره نوید دولت صفر و حاکمیت نیروهای بازار و بخش خصوصی را سر می‌دادند. عده‌ای شکل‌گیری دولت بزرگ برای مقابله با دشواری‌های ناشی از جهانی‌شدن اقتصاد را پیش‌بینی می‌کردند. گروهی دیگر بحث از ظهور یک مدیریت بین‌المللی برای اداره امور جهانی را دنبال می‌کردند. گروهی دیگر عقیده داشتند که اصولاً فرایند جهانی‌سازی تغییری در وضع دولت ایجاد نخواهد کرد.<sup>۳</sup> در اواخر دهه ۱۹۹۰ مقوله حکمرانی خوب مطرح شد که زمینه بروز نوعی دولت خوب در اقتصاد را فراهم کرد. به عبارت دیگر تقریباً و حداقل در عمل در آستانه دهه اول قرن ۲۱ نیز دیگر بحث دولت صفر مطرح نمی‌باشد، بلکه در مواردی بحث کلی دولت خوب و حکمرانی خوب مطرح می‌شود، در مواردی بحث از دولت نهادی و دولت نهادگرا و زمانی دولت رفاه جدید، دولت نئوسوسیالیست و موارد مشابه مورد توجه قرار می‌گیرد.

1. Market-friendly.  
2. World Bank (1997).

۳. بولز و واگمن (۱۳۸۰).

## ۱. اندازه دولت در ایران

نقش و اندازه دولت، به ویژه ورود دولت در فعالیتهای تصدی‌گری، در زمره اندیشه‌هایی است که همواره نوعی ذهنیت و دیدگاه منفی نسبت به آن وجود دارد. اعتقاد بر این است که دولت اثربخش باید پایین‌ترین سطح اقتضایی را نسبت به فعالیتهای تصدی‌گری در اختیار داشته باشد. به همین دلیل نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی را به عنوان شاخص اندازه دولت در ادبیات تجربی به عنوان سهم دولت از مجموعه تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهند و مابقی آن را سطح باز فضای کسب و کار و فعالیتهای بخش خصوصی را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> اندازه دولت به حجم عملیاتی اشاره دارد که توسط سازمان‌ها و ارگان‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها اعم از سازمان‌های منطقه‌ای، ایالتی، شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی صورت می‌پذیرد. به عبارتی دیگر، در واقع نشان دهنده درجه مداخله دولت در اقتصاد است. معیارهای مختلفی برای سنجش اندازه دولت در مطالعات تجربی مورد استفاده قرار گرفته است، از قبیل سطح درآمدهای مالیاتی، خالص مالیات‌های غیرمستقیم، کسری بودجه، مخارج دولت، تولید عمومی (به عنوان سهمی از کل تولید کل)، اشتغال عمومی (به عنوان یک کسری از کل اشتغال) و سهم سرمایه‌گذاری دولتی از سرمایه‌گذاری کل کشور و امثال آن. در این مقاله از ساده‌ترین و متداول‌ترین آنها یعنی نسبت مخارج کل دولت به تولید ناخالص داخلی استفاده می‌کنیم.

جدول (۱) به تحلیل اندازه دولت و برخی شاخص‌های دیگر فعالیت دولت در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۵ می‌پردازد. علت انتخاب سال ۱۳۵۵ به عنوان ابتدای دوره، تغییر در درآمدهای نفتی بوده که می‌توان نتیجه‌گیری بهتری را در مورد اندازه دولت داشت. در دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۳ همراه با افزایش درآمدهای نفتی و به تبع آن اندازه دولت افزایش یافته، اما بعد از انقلاب اندازه دولت کاهش یافته شده است. از جدول فوق می‌توان به چند نکته پی‌برد:

۱- شاخص نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت طی سه دهه اخیر حاکی از



کاهش قابل ملاحظه آن در سال‌های پس از انقلاب است. این نسبت که در سال‌های رونق درآمدهای نفتی (۵۷-۱۳۵۳) در حدود ۷۵/۹۳ درصد بود، در سال‌های انقلاب و جنگ (۶۷-۱۳۵۸) به ۵۳/۰۹ درصد کاهش یافت. در طول برنامه اول، افزایش و در برنامه دوم کاهش یافته و در برنامه سوم همراه با افزایش و دو سال اول برنامه چهارم با کاهش مواجه شده به طوری که این نسبت در دو سال اول برنامه چهارم به ۴۶ درصد رسیده است.

۲- از دو شاخص نسبت مخارج جاری به GDP و نسبت مخارج عمرانی به GDP در ایران می‌توان گفت که همواره نسبت مخارج جاری به GDP بیشتر از نسبت مخارج عمرانی به GDP است. شاخص نسبت مخارج جاری به GDP و نسبت مخارج عمرانی به GDP در سال‌های رونق درآمدهای نفتی (۵۷-۱۳۵۳) همراه با افزایش بوده اما هر دو شاخص در طول دوره انقلاب و جنگ و برنامه اول با کاهش مواجه بوده است. اما شاخص نسبت مخارج جاری به GDP در طول برنامه دوم، برنامه سوم و دو سال اول برنامه چهارم با افزایش مواجه شده است. این در حالی است که نسبت مخارج عمرانی به GDP در برنامه دوم افزایش، اما در برنامه سوم با کاهش مواجه شده و در نهایت در طول دو سال اول برنامه چهارم افزایش یافته و به ۷/۰۵ درصد رسیده است. با توجه به انبوه طرح‌های نیمه تمام عمرانی باقیمانده از سال‌های برنامه پنج‌ساله دوم، می‌توان انتظار داشت که کاهش نسبت مخارج عمرانی به GDP طی دوره پنج ساله برنامه سوم، ناشی از محدودیت منابع بودجه دولت پس از تخصیص سهم بالایی از آن به مخارج جاری باشد. با توجه به این نکته، مطابق با انتظار، مخارج عمرانی به GDP در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ از رشد بالایی برخوردار شد که باعث افزایش ۲/۰۵ درصدی نسبت برنامه سوم شد. با این وجود، نسبت مخارج جاری و عمرانی به GDP نمی‌توانند شاخص‌های مطلوب اندازه دولت در ایران باشند.

۳- ملاحظه شاخص نسبت مخارج کل دولت به GDP در ایران مؤید این مطلب است که اندازه دولت بعد از انقلاب روند نزولی به خود گرفته است، ولی کاهش این نسبت طی سال‌های بعد از انقلاب، نمی‌تواند به مفهوم کاهش نقش دولت در اقتصاد ایران باشد. چون دولت می‌تواند با صدور دستورالعمل‌ها و مقررات، نقش دولت را در اقتصاد افزایش دهد.

- ۴- شاخص نسبت مالیات به GDP در ایران به دلیل نقش ناچیز مالیات‌ها در کل درآمدهای دولت تصویر دقیقی از اندازه دولت را نشان نمی‌دهد.
- ۵- ملاحظه شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت نیز نشانگر این مطلب است که این شاخص طی دوره رونق درآمدهای نفتی ۱۹/۶۱ درصد بوده ولی در طول سال‌های انقلاب و جنگ با افزایش همراه بوده است. این شاخص در نهایت در طول برنامه سوم و دو سال اول برنامه چهارم با افزایش مواجه شد.
- ۶- شاخص نسبت کسری بودجه به GDP، نشان‌دهنده‌ی خوبی از حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد ایران نمی‌باشد. دلیل اصلی آن این است که نوسانات کسری بودجه مستقیماً تحت تأثیر نوسانات درآمدهای دولت بویژه درآمدهای نفتی بوده است. همان‌طور که از جدول (۱) پیداست همواره این نسبت کمتر از ۱۰ درصد بوده است.
- ۷- می‌توان نتیجه گرفت بر اساس تمام شاخص‌ها، روند پایدار [کاهشی یا افزایشی] اندازه دولت در ایران قابل مشاهده نیست.

جدول ۱ - اندازه دولت در ایران بر اساس شاخص‌های مختلف

دوره	۱۳۵۳-۱۳۵۷	۱۳۵۸-۱۳۶۷	۱۳۶۸-۱۳۷۳	۱۳۷۴-۱۳۷۸	۱۳۷۹-۱۳۸۳	۱۳۸۴-۱۳۸۵
شاخص اندازه دولت	دوره رونق درآمدهای نفتی	انقلاب و جنگ	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	دو سال اول برنامه چهارم
نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت	۷۵/۹۳	۵۳/۰۹	۵۹/۴۷	۴۷/۶۵	۵۹/۳۸	۴۶
مخارج جاری به GDP	۳۱/۳۱	۲۰/۸۲	۱۳/۰۳	۱۵/۴۹	۱۵/۷۲	۱۹/۹۸
مخارج عمرانی به GDP	۱۷/۵۰	۷/۱۷	۵/۴۵	۶/۵۳	۵/۱۰	۷/۰۵
مخارج کل دولت به GDP	۴۸/۸۱	۲۷/۹۹	۱۸/۴۸	۲۲/۰۲	۲۰/۸۲	۲۷/۰۳
مالیات به GDP	۷/۸۹	۶/۲۶	۴/۹۱	۶/۳۴	۶/۰۴	۷/۶۹
نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت	۱۹/۶۱	۳۵/۸۵	۳۶/۸۸	۳۱/۴۹	۳۲/۶۸	۳۵/۶۷
کسری بودجه به GDP	۶/۹۸	۸/۸۰	۱/۷۳	۱/۳۱	۲/۳۵	۵/۴۲

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی در سال‌های مختلف.

## ۲. جهانی شدن و موقعیت ایران

یکی از پدیده‌هایی که امروز در حال شکل‌گیری است و چه بسا شکل گرفته و در کلیه عرصه‌های زندگی مدرن در جریان است، پدیده‌ای است که از آن تحت عنوان «جهانی شدن» یا «جهانی‌سازی» یاد می‌شود.<sup>۱</sup> امروزه شاهد تحولاتی هستیم که بیشتر در چارچوب این پدیده قابل درک‌اند؛ تحولاتی که واحدهای سیاسی، در شکل‌گیری و جهت‌دهی آن نقش چندان معنی‌داری ندارند. جهانی شدن را باید مهم‌ترین پدیده فراگیر دانست که کلیه عرصه‌ها، از جمله اقتصاد، یعنی بارزترین نمود جهانی شدن، را درنوردیده است. اقتصادهایی که زمانی با توجه به بالا بودن هزینه‌های تجاری و ارتباطات کاملاً از یکدیگر مجزا بودند، اکنون درهم تنیده و به هم وابسته شده‌اند. جهانی شدن در عرصه‌های مختلفی روی داده است. شواهد، حاکی از این واقعیت است که این پدیده بیشتر صبغه‌ای اقتصادی دارد؛ به گونه‌ای که یکی از برجسته‌ترین تحولات سال‌های اخیر، همگرایی و ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی است. مشخصه‌ی اصلی این روند، رشد سریع تجارت جهانی و آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه است. بدون تردید، خاستگاه اولیه جهانی شدن اقتصاد، تجارت است.

جهانی شدن باعث می‌شود که تحرک سرمایه‌ها در فراسوی مرزها تسهیل شود.<sup>۲</sup> شاید

۱. واژه Globalization را گاهی به جهانی شدن و زمانی به جهانی‌سازی ترجمه می‌کنند. واژه جهانی (Global) از ۴۰۰ سال پیش و اصلاحاتی چون Globalism, Globalizing, Globalization از دهه‌ی ۱۹۶۰ در متون علمی و ادبی به کار گرفته شده است (نهایندیان، ۱۳۸۵). با نگرشی سطحی ممکن است این دو اصطلاح مترادف به نظر آیند، اما این دو ترجمه به لحاظ بار معنایی و واقعیت کاربردی و ابزاری که منعکس می‌کنند با هم تفاوت دارند. در برگردان اول یعنی جهانی شدن، القای نوعی اراده و اختیار مورد نظر است و می‌خواهد این پیام را به خواننده منتقل کند که جهانی شدن، واقعیتی است ملموس و ضرورتی است گریزناپذیر که هر جامعه اگر خواهان رفاه شهروندانش باشد، چاره ندارد جز اینکه خود را با این جریان نیرومند، ضروری و مفید به حال کشورها و به حال جامعه بشری، سازگار کند و باطیب خاطر و اراده آزاد به مقتضیات آن گردن نهد. در برگردان دوم یعنی جهانی‌سازی، سعی بر این است که به واقعیت دیگری اشاره شود و آن اینکه: جهانی‌سازی طرحی است که توسط کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا و در راس آنها آمریکا، تدوین شده و منظور از آن ادامه سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای عالم است (اسماعیلی، ۱۳۸۰).

2. World Bank Report (2003)

تعریف و توضیح جهانی شدن تقریباً به حجم تعداد منابع و موضوع باشد که در ذیل، به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود: برخی جهانی شدن را به معنی رشد تجارت و آزادسازی مالی تعریف می‌کنند.<sup>۱</sup> برخی دیگر جهانی شدن را یک پدیده محسوب می‌کنند و می‌گویند جهانی شدن، نتیجه‌ی گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار و تقلید فرهنگی به سراسر مناطق جهان است. لذا هر نظام اجتماعی باید برای ثبات و پایداری خود وضعیت خود را در برابر دنیای غرب سرمایه‌داری سامان دهد.<sup>۲</sup> صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، جهانی شدن را در «رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر تکنولوژی می‌داند». اوروک و ویلیامسن<sup>۳</sup> جهانی شدن را به معنای «ادغام و یکپارچه‌سازی بازارهای کالاهای بین‌المللی» می‌دانند. استیگلیتز<sup>۴</sup>، برنده جایزه نوبل اقتصادی در سال ۲۰۰۱، جهانی شدن را این گونه تعریف می‌کند: «این پدیده عبارت است از نزدیک شدن کشورها و ملت‌های جهان که نتیجه کاهش شدید هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات و نیز رفع موانع مصنوعی است که در راه جریان کالاها و خدمات و سرمایه، دانش و (تا حدودی نیز افراد) قرار دارد». او از نهاده‌هایی نام می‌برد که متولی جهانی سازی‌اند (صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی). مهم‌ترین عاملی که زمینه را برای جهانی شدن اقتصاد فراهم آورده، تحول تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات بوده است. تکنولوژی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تسهیل‌کننده جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی است. پیشرفت‌های تکنولوژیکی چون اینترنت، هزینه‌های انتقال اطلاعات را بیش از پیش کاهش داده است و این امکان را برای سرمایه‌گذاران و معامله‌گران ابزارهای مالی فراهم ساخته که هر کجا و هر هنگام که بخواهند معامله کنند. بسیاری از متفکران اقتصادی معتقدند اولین حرکت در جهت جهانی شدن اقتصاد به اواخر

1 .Ter-Minassian (2007) .

۲ . والتز (۱۳۷۹).

3 . Oroukke , Williamson.

4 . Stiglitz.

قرن نوزده میلادی بازمی‌گردد. در آن زمان، اقتصاد، با توجه به شرایط آن روز، جهانی بوده است؛ هر چند گستره آن به اندازه اواخر قرن بیستم نمی‌رسد. با توجه به تعاریف ارائه شده از جهانی شدن، این پدیده را می‌توان فرایندی در نظر گرفت که در آن، مرزهای میان کشورها هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات و سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها سهل‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه، به افزایش تولید و مصرف در کشور می‌انجامد و در یک تقسیم‌بندی، جهانی شدن اقتصاد را می‌توان دارای سه محور اساسی دانست: افزایش جریان تجارت جهانی، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سایر جریان‌های سرمایه، و تحولات تکنولوژیکی.

#### ۱-۲. موج‌های سه‌گانه جهانی شدن از منظر اقتصادی: تحولات پرشتاب دهه‌های پایانی

قرن بیستم، بسترساز فضای نوینی بود که به موجب آن مفاهیم و ادراکات چارچوب‌های شناختی پیرایش و متحول شده و در نتیجه گفتمان‌ها دگرگون گردید.<sup>۱</sup> بطور کلی جهانی شدن از منظر اقتصادی سه موج مختلف را پشت سر نهاده است که در فاصله موج اول با موج دوم وقوع دو جنگ جهانی موجب وقفه‌ای در این فرایند گردیده است. موج‌های سه‌گانه جهانی شدن عبارتند از:

#### الف: موج اول جهانی شدن (۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴): در این دوره کاهش هزینه‌های حمل و نقل

به جهت تغییر در سیستم دریانوردی یعنی تبدیل قایق به کشتی بخار و سپس استفاده از سوخت‌های فسیلی (نفت) عملی گردید و پایین آمدن تعرفه‌های تجاری ناشی از موافقت‌نامه انگلیس-فرانسه نیز رونق تجارت را میان ملل اروپا باعث گردید و مزایای جهانی شدن را بیشتر آشکار ساخت.<sup>۲</sup> در موج اول جهانی شدن پدیده مهاجرت بر دستمزدها تأثیر زیادی داشت.<sup>۳</sup> احیای ملی‌گرایی در جهان (۱۹۴۵-۱۹۱۴) از مسائل قابل توجه می‌باشد. در طول دوران دو جنگ علی‌رغم ادامه روند کاهش هزینه‌های حمل و نقل و تقلیل نوع دریایی آن به یک سوم نرخ‌های پیشین، نوعی عقب‌گرد در سیاست تجاری جهانی ملاحظه می‌گردد. در قرن بیستم و در طول جنگ جهانی اول و

۱. خیاط‌فراهانی، (۱۳۸۵).

۲. ساعی، احمد، (۱۳۸۷).

3. World Bank Report (2002).

دوم سیستم‌های پولی و بین‌المللی مؤثر از بین رفتند و موجب سردرگمی اقتصادی کشورها گردیدند. دولت‌ها مجبور شدند که سیاست حمایت از بازارهای داخلی را اتخاذ کنند. افزایش و تداوم سیاست‌های حمایتی در جهان موجب نوعی عقب‌گرد در تجارت بین‌المللی گردید. در طول سال‌های احیای ناسیونالیسم و سیاست‌های حمایتی وضعیت بازارهای سرمایه نیز وخیم‌تر از تجارت بین‌الملل بود. اکثر کشورهای ثروتمند برای جلوگیری از صدور سرمایه، کنترل‌های مالیاتی شدیدی را وضع نمودند و از طرف دیگر بیشتر کشورهای در حال توسعه نیز توانستند بدهی‌های خود را به موقع بازپرداخت نمایند. در اواخر دهه ۱۹۵۰ ذخایر مالی خارجی کشورهای در حال توسعه به چهاردرصد کل درآمدهای آنها تقلیل یافت. یعنی به رقمی خیلی پایین‌تر از حد متوسط سال‌های دهه ۱۸۷۰ یعنی قبل از موج اول جهانی شدن رسید.

**ب: موج دوم جهانی شدن (۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰):** موج دوم جهانی شدن برای کشورهای ثروتمند فوق‌العاده مطلوب بود. حذف مالیات‌های تجاری در بین خود این کشورها موجب گردید که تبادل کالاها بسیار گسترش یابد. برای اولین بار خصوصی‌سازی در بین تولیدکنندگان صنعتی اهمیت پیدا کرد زیرا موجب انباشت سرمایه و ترقی و شکوفایی اقتصادی می‌گردید که نتیجه آن ارتقای درآمدهای کشورهای ثروتمند نسبت به سایر کشورها بود.<sup>۱</sup> آزادسازی تجارت و اهمیت رشد صادرات و واردات در اقتصاد ملی، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازارهای مالی و... را می‌توان از ویژگی اقتصاد این دوره دانست.<sup>۲</sup>

**ج: موج سوم جهانی شدن از دهه ۱۹۸۰ تا کنون (پایان دهه اول قرن بیست و یک):** موج سوم جهانی شدن از حدود دهه ۱۹۸۰ شروع شده است. در ابتدای این دوره گروه عمده‌ای از کشورهای در حال توسعه به طرز چشمگیری وارد بازارهای جهانی گردیدند و به دنبال آنها نیز سایر کشورهای جنوب در تلاش می‌باشند که وارد صحنه گردند. موج سوم جهانی شدن تغییر در ساختار تجارت را در پی دارد مهم‌ترین موفقیت

۱. ساعی، (۱۳۸۷)

۲. تقوی، (۱۳۸۱)

موج سوم در فرآیند جهانی شدن می‌تواند این باشد که بعضی کشورهای در حال توسعه با موفق گردیدند که با بهره‌گیری از نیروی کار فراوان و ارزان خود به عنوان یک نوع امتیاز رقابتی در بازارهای صنایع و خدمات جهانی حضور یابند. تغییر مهم دیگر، مربوط به افزایش اساسی حجم صادرات کالا و خدمات آنها می‌باشد. در طول موج سوم جهانی شدن تحول در تکنولوژی اطلاعاتی و فشار دستمزدها موجب گشته است که افراد به شهرهای بزرگ مهاجرت نمایند.

**۲ - ۲. انتخاب شاخص مناسب برای جهانی شدن:** برای بررسی هرگونه ارتباط جهانی شدن تجارت با دیگر متغیرها، نیازمند کمی کردن این پدیده و انتخاب شاخص مناسبی برای آن می‌باشیم. در ادبیات تجربی، شاخص‌های زیادی برای جهانی شدن اقتصاد طراحی و ارائه شده است.<sup>۱</sup> در این میان معروف‌ترین و معمول‌ترین، شاخص باز بودن تجاری در ادبیات تجربی است که در بسیاری از مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است. ضمن آنکه بسیاری از انتقادات مهم وارد به این شاخص، متوجه مطالعات بین‌کشوری است و سری زمانی را شامل نمی‌شود. در بسیاری از مطالعات از معیار مجموع صادرات و واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است.<sup>۲</sup> لذا شاخص درجه‌باز بودن اقتصاد (نسبت تجارت به GDP) برای این پژوهش انتخاب شده است.

**۲ - ۳. موقعیت ایران از منظر چند شاخص جهانی شدن:** برای ارزیابی موقعیت ایران در فرآیند جهانی شدن و مقایسه آن با دیگر کشورها و نیز بررسی چگونگی روند این فرآیند طی دهه‌های اخیر از چند شاخص معروف استفاده می‌نماییم که در جدول (۲) گزارش شده است. انتخاب کشورهای جدول (۲) بر اساس تقسیم‌بندی‌های متداول کشورهای جهان انتخاب شده است. بدین صورت که گروه اول: کشورهای منتخب نفتی شامل ایران، کویت، عمان، روسیه و امارات؛ گروه دوم: کشورهای منتخب سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) شامل استرالیا، کانادا، دانمارک، انگلیس و آمریکا؛ گروه سوم: کشورهای منتخب تازه‌صنعتی شده (NICs) شامل

۱. بسیاری از این شاخص‌ها در مقاله دادگر و ناجی، ۱۳۸۲ معرفی شده است

۲. برای نمونه به مطالعات (Garrett, 2001) و (Rodrik, 1998) مراجعه نمود.

هنگ کنگ، سنگاپور و کره جنوبی؛ گروه چهارم: کشورهای منتخب پرجمعیت جهان شامل چین و هند. از جدول (۲) می‌توان به این نکته پی برد که ایران با داشتن یکی از بسته‌ترین اقتصادها، در فرآیند جهانی شدن تقریباً در انتهای صف کشورهای جهان قرار گرفته است. بر اساس شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه هریتیج ایران در سال ۲۰۰۰؛ با مقدار ۳۶/۱ از ۱۰۰ نمره در رتبه ۱۵۳ جهان قرار گرفت که در سال ۲۰۰۸ تنها دو پله صعود داشته است. همچنین بر اساس شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر ایران در سال ۲۰۰۰ با مقدار ۵/۶ از ۱۰ نمره، رتبه ۹۵ جهان را دارا بوده که در سال ۲۰۰۵ ایران ۱۳ پله صعود داشته است. همچنین شاخص باز بودن تجاری هریتیج و فریزر بسته‌بودن اقتصاد ایران را نسبت به سایر کشورها نشان می‌دهد. افزایش حجم تجارت خارجی به دلیل وابستگی شدید آن به درآمدهای ارزی دولت، نشانگر گسترش اندازه‌ی دولت به جای کاهش آن است. از این رو، گسترش حجم تجارت خارجی در ایران، نشانگر گسترش فعالیت بخش خصوصی نیست، بلکه نشانه‌ای از گسترش فعالیت‌های دولت در عرصه تجارت خارجی است.<sup>۱</sup> همچنین می‌توان گفت که به دلیل وابستگی اقتصاد ایران به نفت؛ همزمان با افزایش درآمدهای نفتی دولت، درجه بازبودن و فعالیت‌های دولت نیز گسترش می‌یابد. در میان کشورهای منتخب نفتی؛ امارات وضعیت بسیار خوبی دارد. اما کشورهای منتخب سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) بازبودن اقتصادشان بر اساس این آمار مورد تأیید است. همچنین کشورهای منتخب تازه‌صنعتی شده (NICs) و بطور مشخص دو کشور هنگ‌کنگ، سنگاپور باز بودن کامل اقتصادشان با دارا بودن رتبه اول و دوم این شاخص‌ها نشانگر آزاد بودن اقتصاد این کشورهاست. در نهایت دو کشور پرجمعیت جهان از نظر بازبودن اقتصاد وضعیت مناسبی را ندارند. در مجموع کشور ایران نسبت به تمامی کشورهای منتخب وضعیت مناسبی را ندارد.



جدول ۲- باز بودن تجاری در ایران و کشورهای منتخب جهان

کشور	آزادی اقتصادی هریتج (از ۱۰۰)		آزادی اقتصادی فریزر (از ۱۰)		شاخص باز بودن تجاری هریتج (از ۱۰۰)		شاخص باز بودن تجاری فریزر (از ۱۰)	
					۲۰۰۸	۲۰۰۰	۲۰۰۸	۲۰۰۰
	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار
ایران	۱۵۳	۴۴	۱۵۱	۵/۶	۸۲	۶/۴	۵۷/۴	۵/۹
کویت	۲۵	۶۸/۳	۳۹	۶/۷	۳۲	۷/۳	۷۸/۲	۷/۲
عمان	۵۲	۶۷/۴	۴۲	۷/۱	۱۸	۷/۶	۸۳/۶	۷/۹
روسیه	۵۱/۸	۱۱۷	۱۳۴	۴/۹	۱۱۲	۵/۸	۵۲/۴	۶/۹
امارات	۱۴	۶۲/۸	۶۳	۷/۴	۱۵	۷/۷	۷۷	۸/۲
استرالیا	۵	۸۲	۴	۸	۹	۷/۹	۷۹	۷/۸
کانادا	۲۰	۸۰/۲	۷	۸/۱	۵	۸/۱	۷۷/۴	۸/۳
دانمارک	۳۳	۷۹/۲	۱۱	۷/۷	۱۵	۷/۷	۷۷/۸	۸/۳
انگلیس	۴	۷۹/۵	۱۰	۸/۲	۵	۸/۱	۷۷/۸	۸/۴
آمریکا	۸	۸۰/۶	۵	۸/۶	۵	۸/۱	۷۸/۴	۸
هنگ کنگ	۱	۹۰/۳	۱	۸/۸	۱	۸/۹	۹۰	۹/۸
سنگاپور	۲	۸۷/۴	۲	۸/۵	۲	۸/۸	۸۳	۹/۳
کره جنوبی	۲۶	۶۷/۹	۴۱	۶/۶	۳۲	۷/۳	۶۹/۲	۷/۱
چین	۹۸	۵۲/۸	۱۲۶	۵/۷	۸۶	۶/۳	۴۲/۶	۷/۲
هند	۱۳۰	۵۴/۲	۱۱۵	۶/۲	۶۹	۶/۶	۱۹/۶	۵/۶

Sources: 1-Economic Freedom of the World, 2007, Fraser Institute,2-Index of Economic Freedom, 2008, The Heritage Foundation and Dow Jones & Company, Inc Wall Street Journal.

### ۳. مروری بر پیشینه موضوع

اولین بررسی و یکی از قدیمی ترین روش های توضیح رشد بخش عمومی نسبت داده شده به اقتصاددان مشهور آلمانی؛ آدولف واگنر (۱۹۱۷-۱۸۳۵) که به قانون واگنر یا قانون توضیح رشد دولت مشهور است.<sup>۱</sup> وی بیان می دارد؛ "با رشد درآمد سرانه اقتصاد، اندازه نسبی بخش عمومی نیز افزایش می یابد." بیانیه واگنر بر مبنای حرکتی تجربی استوار است. به این صورت که وی بررسی مسأله رشد بخش های عمومی چند کشور اروپایی، آمریکا

1 . Peacock and Scott (2000).

و ژاپن را طی قرن نوزدهم مورد توجه قرار داده، سپس عوامل تعیین کننده در تغییر نسبت هزینه‌ی عمومی به تولید ناخالص ملی را بر حسب عناصر اقتصادی و سیاسی (و غیره) در مورد آن کشورها توضیح داده است. واگنر همچنین مسأله‌ی نارسایی‌های موجود در بازار را نیز در این ارتباط مورد توجه قرار می‌دهد. وی تصریح می‌کند زمانی اقتصاد به سوی صنعتی شدن پیش می‌رود، ماهیت ارتباط بین گسترش بازارها و رفتار کارگزاران اقتصادی پیچیده‌تر خواهد شد. این تحلیل واگنر، در واقع مقدمه‌چینی برای گسترش بخش دولتی، در نتیجه‌ی افزایش درآمد است. وی اضافه می‌کند که این پیچیدگی در ارتباط بازارها و دیگر عناصر اقتصادی، نیازمند به وضع قوانین و قراردادهای و تلاش برای حفاظت از دستاوردهای جدید را بیشتر خواهد کرد. نیاز به تدوین نظامی عادلانه برای هدایت قوانین مذکور، امری واضح است. بالا رفتن درآمدها و گسترش شهرنشینی در نتیجه‌ی صنعتی شدن می‌تواند پیامدهای خارجی و جانبی خاص خود را به همراه داشته باشد. بدیهی است خود این امر، مستلزم دخالت بیشتر دولت و بخش عمومی در اقتصاد است. لذا واگنر ظهور بخش‌های خدمات بانکی دولتی، خدمات قانونی، رشد هزینه‌های عمومی آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی ارائه شده توسط بخش عمومی را مورد تأکید قرار داده و کوشش درآمدهای تقاضای آنها را محاسبه کرده است. از نظر واگنر، این خدمات دارای حساسیت درآمدهای تقاضای بالاست. از این رو، با افزایش درآمد واقعی در اقتصاد مخارج عمومی برای این خدمات به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد و این به نوبه خود باعث افزایش نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص ملی می‌شود.<sup>۱</sup> این الگو با وجود روشنفکری‌های مفیدی که دارد، مشکلاتی نیز دارد که عبارتند از: ۱- این الگو از یک بدنه نظری قوی و منسجم در بخش عمومی برخوردار نیست، یعنی وی در ترسیم نظریه‌ی خود، تنها از تجارب کشورها و دولت را بر مبنای تصویری آرگانیکی فرض می‌کند.<sup>۲</sup> قانون واگنر در

۱. دادگر، (۱۳۸۶).

۲. در تصور آرگانیکی از دولت، در واقع، بخش عمومی و دولت، مستقل از مجموعه‌ی افراد بوده و به عنوان موجودی حاکم در مجموعه‌ی افراد جامعه، تصمیم می‌گیرد. این نگرش از دولت در مقابل نگرش مکانیکی است که مبنای آن، دولت چیزی جز مجموعه‌ای از افراد نیست.

شرایط خاص تاریخ صنعتی شدن برخی کشورها تدوین شده است. لذا نمی توان آن را برای همه‌ی شرایط (از جمله در مراحل غیرصنعتی شدن) تعمیم داد.<sup>۱</sup> ۳- واکنر توجه خاصی به بخش تقاضا داشته ولی اهمیتی به بخش عرضه‌ی اقتصاد نمی دهد. علاوه بر دیدگاه واکنر، دیدگاه ماسگریو و رستو و پیکاک و وایزمن نیز جایگاه خاصی در علل رشد اندازه دولت دارند. الگوی ماسگریو و رستو به الگوی توسعه‌ای دولت نیز معروف است. زیرا این الگو رشد بخش عمومی را با ضرورت هزینه‌های توسعه‌ای توجیه می کند. الگوهای پیکاک و وایزمن علاوه بر جایگاه اقتصادی وارد عرصه سیاسی نیز می شود. بر اساس این دیدگاه گسترش حجم دولت به تحولات سیاسی و فرآیندهای انتخاباتی و انگیزه احزاب سیاسی ارتباط دارد.<sup>۲</sup> مطالعات تجربی متنوعی هم برای آزمون قانون واکنر و هم ارائه الگوها و شاخص های جایگزین آن صورت گرفته است. بسیاری از این مطالعات برای اندازه گیری دولت، از معیار نسبت هزینه های دولت به تولید ناخالص ملی استفاده نموده اند. ببرد (۱۹۷۱)<sup>۳</sup>، نسبت هزینه های دولت به تولید ناخالص ملی را به عنوان شاخص برای اندازه ی دولت، در پنج کشور توسعه یافته مورد استفاده قرار می دهد و نتیجه می گیرد که قانون واکنر در این کشورها در ترم های کلی قابل دفاع است. رام (۱۹۸۷)<sup>۴</sup> با تقسیم بندی کشورها سعی در آزمون قانون واکنر برای ۱۱۵ کشور داشت. و به این نتیجه رسید که قانون واکنر در ۶۰ درصد کشورهای مورد بررسی تأیید شد و در بقیه کشورها رد

۱. برای نمونه گاندهی (۱۹۷۱) با توجه به داده‌های مقطعی قانون واکنر و یافته‌های واکنر کشورهای نمونه را به دو گروه کشورهای فقیر و ثروتمند تقسیم کرد و بیان داشت که کشورهای فقیرتر در مشاهدات واکنر مورد توجه نبوده است. ر.ک:

Gandhi V.P., 1971, "Wagner's Law of public expenditure: Do recent cross-section studies confirm it?", Public Finance 26(1), pp.53-55.

همین طور ابی زاده و گری (۱۹۸۵) وقتی به آزمون این فرضیه با استفاده از داده‌های ترکیبی برای ۵۵ کشور و تقسیم این کشورها به ۳ گروه بر اساس سطح درآمد سرانه؛ آنها پی بردند که قانون واکنر برای کشورهای فقیرتر تأیید نمی شود. ر.ک:

Abizadeh S, and Gray J, 1985, "Wagner's Law: A pooled time-series, cross-section comparison", National Tax Journal 38(2), pp. 209-218.

2. Peacock, (1977).

3. Bird, (1971).

4. Ram, (1987).

می گردد. دیاموند (۱۹۸۹)<sup>۱</sup> در بررسی های خود به این نتیجه رسید که قانون واگنر برای کشورهای آمریکا، کانادا، آلمان، ایتالیا و ژاپن صادق نیست اما برای دو کشور فرانسه و انگلستان صادق است.

بوهل (۱۹۹۶)<sup>۲</sup> به آزمون قانون واگنر برای ۷ کشور صنعتی پرداخت او پی برد که قانون واگنر برای کشورهای کانادا و انگلیس مورد تأیید است. کولیری و همکارانش (۲۰۰۰)<sup>۳</sup> معتقد بودند که قانون واگنر برای ۷ کشور آلمان، استرالیا، انگلیس، ژاپن، ایتالیا، فرانسه و کانادا مصداق دارد. و یا وهاب (۲۰۰۴)<sup>۴</sup> تأکید می کند که قانون واگنر برای کشورهای اروپایی قابل دفاع است. همچنین یاک (۲۰۰۵)<sup>۵</sup> با بررسی اقتصاد انگلستان برای دوره ی بلندمدت معتقد است که قانون واگنر برای دوره ۱۹۹۳-۱۸۳۰ قابل دفاع است. هانگ (۲۰۰۶)<sup>۶</sup> به بررسی قانون واگنر در چین و تایوان پرداخت. نتایج تجربی وی دلالت از رابطه ی بلندمدت بین مخارج دولت و تولید در چین و تایوان داشت. سینها (۲۰۰۷)<sup>۷</sup> به بررسی قانون واگنر برای کشور تایلند و برای دوره ی زمانی ۲۰۰۳-۱۹۵۰ پرداخت. بطور کلی نتایج سینها حاکی از ارتباط ضعیف مخارج دولت و تولید ناخالص داخلی در تایلند داشت. بطور کلی قانون واگنر در ۶ حالت مختلف در مطالعات تجربی مورد توجه قرار گرفت. که این حالات در جدول (۳) آمده است.

### جدول ۳- حالات مختلف آزمون قانون واگنر در مطالعات تجربی

ردیف	مطالعه	فرم تابع
۱	پیکاک و وایزمن (۱۹۶۸)	$RG = f(RGDP)$
۲	پریور (۱۹۶۹)	$RGC = f(RGDP)$
۳	گافمن (۱۹۶۸)	$RG = f\left(\frac{RGDP}{N}\right)$

1 . Diamond, (1989).

2 . Bohl, (1996).

3 . Kolluri, Panik, and Wahab (2000).

4 . Wahab (2004).

5 . Yak (2005).

6 . Huangm (2006).

7 . Sinha (2007).

$\frac{RG}{RGDP} = f\left(\frac{RGDP}{N}\right)$	ماسگریو (۱۹۶۹)	۴
$\frac{RG}{N} = f\left(\frac{RGDP}{N}\right)$	گوپتا (۱۹۶۷) و میچاس (۱۹۷۵)	۵
$\frac{RG}{RGDP} = f(RGDP)$	مانن (۱۹۸۰)	۶

منبع: توسط محققان تنظیم شده است.

که:

$RG$ : مخارج کل حقیقی دولت،  $RGDP$  تولید ناخالص داخلی حقیقی،  $N$  جمعیت،  $\frac{RGDP}{N}$  تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی،  $\frac{RG}{N}$  کل مخارج سرانه حقیقی،  $\frac{RG}{RGDP}$  نسبتی از مخارج کل حقیقی به تولید ناخالص داخلی حقیقی (اندازه دولت).

پس از بررسی کوتاه در زمینه برخی مطالعات در مورد قانون واگنر حال به بررسی برخی مطالعات تجربی دیگر در ادبیات بخش عمومی در زمینه رشد دولت می‌پردازیم. کامرون (۱۹۷۸)<sup>۱</sup> در مطالعه‌ای برای ۱۸ کشور سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه به بررسی رابطه‌ی بین بازبودن اقتصاد و اندازه دولت پرداخت. وی دریافت که با افزایش بازبودن تجارت (جمع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی) باعث رشد مخارج دولتی می‌شود. به این دلیل ریسک رقابت در اقتصاد بین الملل افزایش می‌یابد. کامرون بهترین نماگر منحصر به فرد را افزایش درآمدهای مالیاتی این ۱۸ کشور بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۵، باز بودن اقتصاد آنها در سال ۱۹۶۰ می‌داند. از این رو، همبستگی میان رشد مخارج دولت و باز بودن اقتصاد را ۰/۷۵ بدست می‌آورد. کامرون همچنین ارتباط قوی و معنی‌داری را میان پرداخت‌های انتقالی دولت شامل مخارج تأمین اجتماعی، جبران خدمات، بیمه بیکاری و... و باز بودن اقتصاد (ریسک خارجی) توجیه می‌کند. بورچردینگ (۱۹۸۵)<sup>۲</sup> به بررسی عوامل تعیین‌کننده مخارج دولت پرداخت. معادله ارائه شده توسط او طبقه‌بندی مناسبی برای بحث در خصوص اندازه دولت حقیقی به وسیله

1. Cameron (1978).

2. Borcharding (1985).

پارامترهای کلیدی ارائه می‌دهد. ابی‌زاده و یوسفی (۱۹۸۸)<sup>۱</sup> عوامل موثر بر افزایش مخارج دولت در کانادا را مورد بررسی قرار دادند. الگوی ارائه شده‌ی آنها ابعاد سیاسی و اقتصادی رشد مخارج دولت را شامل می‌شد. نتایج مطالعه آنها حاکی از ارتباط مثبت و همبستگی شدیدی بین درجه باز بودن اقتصاد و نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی (اندازه دولت) داشت. همچنین، تأثیر نرخ بیکاری با وقفه زمانی، درصد افراد لیبرال به عنوان شاخص عامل سیاسی، نرخ تکفل و درآمد ملی با وقفه زمانی بر اندازه دولت (نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی) مثبت است. بات (۱۹۹۶)<sup>۲</sup> در مقاله‌ای به بررسی عوامل موثر در افزایش هزینه‌های دولتی پرداخته است. شام بات نتیجه‌گیری می‌کند که درجه باز بودن اقتصاد و نرخ بیکاری در اقتصاد هند ارتباط مثبت و معنی‌داری با اندازه مخارج دولت دارد. متغیر توضیحی تراکم جمعیتی و شهرنشینی اثر منفی و معنی‌داری بر اندازه‌ی مخارج عمومی دارد. لی و همکاران (۱۹۹۷)<sup>۳</sup> در بررسی علل رشد بخش عمومی علاوه بر معیارهای اقتصادی نظیر تولید سرانه، رابطه مبادله، معیار باز بودن اقتصاد و قیمت نسبی مصارف دولتی از معیارهای اجتماعی و سیاسی نیز استفاده نمودند. در واقع، همان‌طور که تغییرات تکنولوژیکی، تقاضا برای دولت را انتقال می‌دهد، این امر در مراحل بعدی به تضعیف ارتباط مکانیکی بین اندازه دولت و درآمد منجر می‌شود. آنها دریافتند که عوامل دیگری نظیر؛ قیمت‌های نسبی بخش دولتی و خصوصی، نسبت وابستگی سنی، استقلال و آزادی سیاسی و میزان بوروکراسی را عوامل تعیین‌کننده در توضیح رشد بخش عمومی می‌دانند.

رودریک<sup>۴</sup> استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد با نگاه به تجارت بین‌الملل توضیحی متفاوت برای رشد اندازه دولت عرضه کرده است. وی در مقاله‌ای با عنوان «چرا اقتصادهای بازتر دولت‌های بزرگتری دارند» برای ۲۳ کشور سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه به موضوع مهم و در حد خود تعجب‌آوری پرداخته است. رودریک بر اساس مطالعه کامرون (۱۹۷۹) با ارائه شواهدی و مدارکی از این ۲۳ کشور نشان داد که هر چه اقتصاد داخلی با

1 . Abizadeh and yosefi (1988).

2 . Bhat (1996).

3 . Lee, Commander and Davoodi (1997).

4 . Rodric (1998).

دنیای خارج ارتباط بیشتری برقرار نماید و در معرض ریسک‌های بین‌المللی قرار گیرد، اندازه دولت نیز افزایش می‌یابد. وی بیان می‌دارد که هرچه اقتصاد یک کشور بازتر شود، این کشور در قبال نوسانات قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی که به شکل شوک‌های رابطه مبادله ظاهر می‌شود، آسیب‌پذیرتر خواهد بود. از این رو دولت‌ها از طریق ایجاد برنامه‌های حمایتی مختلف از بیکاران و دیگر برنامه‌های اجتماعی می‌توانند ریسک چنین نوساناتی را برای شهروندانشان کاهش دهند. ارائه چنین خدماتی به دولت‌ها نیازمند صرف هزینه‌های قابل توجه است. از این رو در طی قرن بیستم که پدیده جهانی شدن شدت گرفته، هزینه‌های دولت نیز افزایش یافته و اندازه دولت بزرگ‌تر شده است. به نظر رودریک در کشورهای در حال توسعه که دولت فاقد توانایی لازم برای ارائه موثر چنین خدماتی است، گسترش دولت برای استخدام افراد بیشتر و مصون کردن آنها از ریسک‌های ناشی از تجارت بین‌الملل انتخابی طبیعی بوده است.<sup>۱</sup> در مطالعه وی که با مقایسه بین درجه‌ی باز بودن اقتصاد (که به واسطه‌ی شاخص سهم تجارت در GDP به عنوان شاخصی برای اندازه گیری جهانی شدن اقتصاد) و حجم دولت (که به واسطه شاخص مخارج دولت در GDP) سنجیده می‌شود، نشان داد که یک ارتباط مثبت، قوی و محکم بین باز بودن اقتصاد و اندازه‌ی دولت وجود دارد. همچنین رودریک معتقد است دولت و بازارها در اقتصادهای باز تا درجه‌ای مکمل هم بوده‌اند. او می‌گوید در اقتصادهایی که مزایای بیشتری از بازارهای جهانی به دست آورده‌اند و به اصطلاح، بازتر بوده‌اند دولت‌ها سریع‌ترین گسترش و افزایش را نشان داده است. وی با ارائه شواهد آماری نشان داد که اقتصادهای بسیار باز اروپای شمالی و مرکزی بالاترین سهم در مخارج دولتی را در GDP دارا می‌باشند. او در مقاله خود عنوان کرد که این امر مربوط به کشورهای خاص (کوچک اروپایی) نیست و موردی استثنایی نمی‌باشد و فرایندی است که در همه کشورهای با درآمد

۱. در نقد این مطالعه می‌توان به این واقعیت توجه کرد که رشد عمده دولت‌ها بیشتر در هنگام بحران‌های داخلی نظیر بحران بزرگ بوده است و در این ایام هنوز نوسانات تجارت بین‌الملل آنقدر جدی نبوده که بتواند چنین تبعات بزرگی را به دنبال داشته باشد. در بهترین حالت می‌توان قبول کرد که مکانیزم‌های دیگری رشد اندازه دولت را موجب شده باشند، اما جهانی شدن اقتصاد این رشد را تقویت و تشدید کرده باشد.

بالا تر و پایین تر مشاهده گردیده است. رودریک در توضیح این امر که چرا با افزایش تجارت و باز بودن اقتصادها، حجم دولت و مخارج آن افزایش یافته است، این فرضیه را بیان می کند که «مخارج دولتی در اقتصادهایی که در معرض ریسک بیرونی زیادی واقع شده اند، نقش کاهنده ریسک و خطر را بازی می کند». وی الزام دولت به ارائه بیمه اجتماعی را مهم ترین عامل در افزایش این مخارج می داند و می گوید دولت ها با این عمل، سهمی را در تعدیل و کاهش خطرات ناشی از مواجه شدن با تجارت جهانی به عهده می گیرند و مخارج بالای آنها در واقع، تاوان گسترش تجارت است. وی توضیح می دهد که برخی معتقدند پایین آوردن مقیاس دولت، بدون توجه به نااطمینانی های اقتصادی ایجاد شده توسط جهانی شدن، ممکن است به طور واقعی به آینده و عقیده آزادی تجارت جهانی مضر باشد. برخی از مطالعات عده ای دیگر از اقتصاددانان و یا دانشمندان علمی چون علوم سیاسی نیز مطلب رودریک را تأیید کرده اند. برخی از دانشمندان علوم سیاسی از این مطلب بحث کرده اند که دولت ها در قسمت های مختلف جهان، چگونه به ناامنی های ایجاد شده توسط تجارت جهانی واکنش نشان می دهند.

گارت (۲۰۰۱)<sup>۱</sup> در مطالعه ای به این نتیجه رسید که در کشورهای سطح بالایی از تجارت همراه با رشد مخارج دولت بوده است. اما زمانی که رشد تجارت سریع تر شده است، رشد مخارج شان در آن دوره کندتر شده است. بریتس چگیر و هیتچ (۲۰۰۲)<sup>۲</sup> رابطه مثبتی بین آزادی مالی و آزادی اقتصادی با رشد مخارج رفاهی بدست آوردند که نتایج مطالعه ای آنها از مطالعه رودریک حمایت می کرد. اما دریهیر (۲۰۰۳) با ارائه شواهدی نشان داد که جهانی شدن اثراتی بر مالیات ها و مخارج اجتماعی در کشورهای سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه ندارد. سانز و ولاسکوئز (۲۰۰۳)<sup>۳</sup> در پژوهشی به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر اندازه دولت پرداخت. در این مطالعه شاخص آزادی مالی (سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان شاخص آزادی مالی) و شوک های داخلی و خارجی ناشی از آزادی مالی نیز استفاده شده است. نتایج یافته ها حاکی از اثر مثبت آزاد

1. Garrett (2001).

2. Bretschger and Hettich (2002).

3. Sanz and Velázquez (2003).



بودن اقتصاد بر بخش‌های مخارج سلامت و تأمین اجتماعی داشت که با مطالعه و یافته‌های رودریک سازگار بود. گارین و تراسک (۲۰۰۵)<sup>۱</sup> استدلال رودریک را مورد سنجش قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که کشورهایی که دارای درجه باز بودن اقتصاد کمتری هستند رشد مخارج دولتشان بیشتر است. این مطالعه اثرگذاری آزادی تجارت را بر رشد اندازه دولت را مورد پذیرش قرار داد. گارت و راین (۲۰۰۶)<sup>۲</sup> در بررسی تحلیلی خود نقش دولت به عنوان تأمین کننده کالاها و کاهش دهنده پیامدهای خارجی، توزیع کننده مجدد درآمد و ثروت را عامل رشد دولت می‌دانند. همچنین گروه‌های ذی‌نفع، بوروکراسی، توهم مالی و انحصارات دولت را از دیگر عوامل رشد دولت می‌دانند. تا کنون مطالعه‌ای در زمینه تأثیر جهانی شدن بر اندازه دولت در ایران صورت نگرفته و این مطالعه به عنوان اولین مطالعه در این زمینه ضعف موجود مطالعاتی را پوشش می‌دهد.<sup>۳</sup>

#### ۴. ارائه مدل، برازش، تفسیر نتایج

روش الگوسازی که به منظور بررسی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت به کار گرفته می‌شود، روش سری‌زمانی است و از میان الگوهای مطروحه در این روش؛ از الگوی خودرگرسیون برداری (VAR)<sup>۴</sup> که در واقع یک روش غیرمقید اقتصادسنجی است و در آن بردار متغیرها تابعی از وقفه‌های خود و سایر متغیرهای درون‌زاست، استفاده می‌شود. به گفته سیمز (۱۹۸۰)<sup>۵</sup> الگوی خود رگرسیون‌برداری از این ویژگی مطلوب برخوردار است که تمامی متغیرها را می‌توان به صورت درون‌زا در نظر گرفت. لذا این الگو برای بررسی روابط میان مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی کاملاً مفید است. در این پژوهش در جهت بررسی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۳ با استفاده از رهیافت خودرگرسیون‌برداری VAR به بررسی این

1. Garen and Trask (2005).

2. Garrett and Rhine (2006).

۳. اگر چه در مطالعات مختلفی به بررسی تأثیر جهانی شدن تجارت بر رشد اقتصادی پرداخته شده است. با این حال به صورت خاص مطالعه‌ای که تأثیر جهانی شدن تجارت را بر اندازه دولت بررسی کند ارائه نشده است.

4. Vector Autoregression .

5. Sims (1980).

موضوع خواهیم پرداخت.

لذا شکل ریاضی مدل به صورت زیر است:

$$Y_t = A + \sum_{i=1}^{\ell} B_i Y_{t-i} + E_t \quad (1)$$

$Y_t$  بردار متغیرهای درونزای مدل را نشان می‌دهد. و  $A$  بردار عرض از مبدا،  $\ell$  عملگر وقفه را نشان می‌دهد.

$$Y_t = \begin{bmatrix} LGGDP_t \\ LGDPR_t \\ LXMGDP_t \\ LDI_t \\ LCPI_t \end{bmatrix}, A = \begin{bmatrix} \alpha_1 \\ \alpha_2 \\ \alpha_3 \\ \alpha_4 \\ \alpha_5 \end{bmatrix}, B_i = \begin{bmatrix} \beta_{11,i} & \beta_{12,i} & \beta_{13,i} & \beta_{14,i} & \beta_{15,i} \\ \beta_{21,i} & \beta_{22,i} & \beta_{23,i} & \beta_{24,i} & \beta_{25,i} \\ \beta_{31,i} & \beta_{32,i} & \beta_{33,i} & \beta_{34,i} & \beta_{35,i} \\ \beta_{41,i} & \beta_{42,i} & \beta_{43,i} & \beta_{44,i} & \beta_{45,i} \\ \beta_{51,i} & \beta_{52,i} & \beta_{53,i} & \beta_{54,i} & \beta_{55,i} \end{bmatrix}, E_t = \begin{bmatrix} \varepsilon_{1t} \\ \varepsilon_{2t} \\ \varepsilon_{3t} \\ \varepsilon_{4t} \\ \varepsilon_{5t} \end{bmatrix}$$

$E_t \sim iid(0_{55}, \Omega)$  و شکل ماتریسی مدل خود رگرسیون برداری به شکل زیر است:

(۲)

$$\begin{bmatrix} LGGDP_t \\ LGDPR_t \\ LXMGDP_t \\ LDI_t \\ LCPI_t \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \alpha_1 \\ \alpha_2 \\ \alpha_3 \\ \alpha_4 \\ \alpha_5 \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \beta_{11,i} & \beta_{12,i} & \beta_{13,i} & \beta_{14,i} & \beta_{15,i} \\ \beta_{21,i} & \beta_{22,i} & \beta_{23,i} & \beta_{24,i} & \beta_{25,i} \\ \beta_{31,i} & \beta_{32,i} & \beta_{33,i} & \beta_{34,i} & \beta_{35,i} \\ \beta_{41,i} & \beta_{42,i} & \beta_{43,i} & \beta_{44,i} & \beta_{45,i} \\ \beta_{51,i} & \beta_{52,i} & \beta_{53,i} & \beta_{54,i} & \beta_{55,i} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} LGGDP_{t-i} \\ LGDPR_{t-i} \\ LXMGDP_{t-i} \\ LDI_{t-i} \\ LCPI_{t-i} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \varepsilon_{1t} \\ \varepsilon_{2t} \\ \varepsilon_{3t} \\ \varepsilon_{4t} \\ \varepsilon_{5t} \end{bmatrix}$$

همانطور مشاهده می‌شود تمام متغیرها در مدل درونزا هستند. که متغیرهای مدل عبارتند از:  $LGGDP$  لگاریتم طبیعی اندازه دولت (نسبت مخارج کل دولت به قیمت حقیقی به تولید ناخالص داخلی به قیمت حقیقی)،  $LGDPR$  لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی حقیقی،  $LXMGDP$  لگاریتم طبیعی شاخص جهانی شدن تجارت (نسبت جمع صادرات و واردات حقیقی به تولید ناخالص داخلی حقیقی)،  $LDI$  لگاریتم طبیعی شاخص صنعتی شدن (نسبت ارزش افزوده بخش صنعت به کل ارزش افزوده بخشها

به قیمت حقیقی)،  $LCPI$  لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده،  $\varepsilon$  جزء اخلاص رابطه (۲) را با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۳ و الگوی خود رگرسیون برداری ( $VAR$ ) برای اقتصاد ایران مورد برازش قرار خواهیم داد. در تخمین مدل به نکات زیر توجه می‌شود: ۱- داده‌ها سری زمانی و برای دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۵۳ است. ۲- تمام داده‌های مربوط به متغیرهای الگو از حساب‌های ملی و ترازنامه بانک مرکزی جمع‌آوری شده است. ۳- تمامی متغیرهای مدل بر حسب قیمت سال ثابت سال ۱۳۷۶ در نظر گرفته می‌شود.

۴- **برازش مدل، تفسیر نتایج:** برای تخمین یک الگوی  $VAR$  لازم است که ابتدا مانایی متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. برای اطمینان از مانایی و یا نامانایی متغیرهای سری‌زمانی مورد استفاده در مدل از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده است. در بررسی بدست آمده، مشخص شد که قدر مطلق آماره دیکی فولر تعمیم یافته از مقادیر بحرانی برای کلیه متغیرها کوچکتر است لذا نتیجه‌گیری می‌شود که فرضیه  $H_0$  مبنی بر وجود ریشه واحد متغیرهای مزبور در سطح بالایی از درجه اطمینان مورد تأیید قرار می‌گیرد. سپس برای تشخیص درجه هم انباشتگی متغیرهای مورد نظر، آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای تفاضل مرتبه اول تکرار شد. نتایج آزمون (در جدول ۴) نشان می‌دهد که کلیه متغیرها با یکبار تفاضل‌گیری مانا شدند، به عبارتی تمام متغیرها از درجه مانایی واحد  $I(1)$  برخوردارند. ولی ترکیب خطی آنها یعنی  $U_t = I(0)$  است. لذا رگرسیون کاذب وجود ندارد و کمیت آماره محاسبه شده ADF برای تمامی متغیرها در تفاضل اول از مقادیر بحرانی ۰/۰۵ بیشتر است.

جدول ۴- نتایج آزمون مانایی دیکی- فولر تعمیم یافته برای متغیرهای مدل

آماره ADF	مقادیر بحرانی در سطوح			با روند	با عرض از مبدأ	متغیر
	۱۰ درصد	۵ درصد	۱ درصد			
-۵/۹۴	-۳/۲۱	-۳/۵۶	-۴/۲۸	+	+	DLGGDP
-۴/۸۴	-۳/۲۱	-۳/۵۶	-۴/۲۸	+	+	DLGDPR
-۴/۷۵	-۱/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۶۳	-	-	DLXMGDP
-۸/۴۳	-۲/۶۲	-۲/۹۶	-۳/۶۶	-	+	DLDI
-۳/۷۳	-۲/۶۲	-۲/۹۶	-۳/۶۶	-	+	DLCPI

۲-۴. تعیین وقفه بهینه در مدل VAR: در قسمت قبل مشخص شد که متغیرهای بکار گرفته شده انباشته از درجه واحد  $I(1)$  و تفاضل مرتبه اول آنها ماناست. حال به تعیین وقفه بهینه در مدل VAR می‌پردازیم. برای این منظور می‌توانیم از معیار آکائیک، شوارز بیزین و حنان کوئین استفاده می‌کنیم. برای مشخص کردن تعداد وقفه بهینه، مدل انتخابی با متغیرهای لگاریتمی، عرض از مبدا با ۲ وقفه آزمون شده است. بر اساس اطلاعات جدول (۵) بیشترین مقدار آماره مربوط به وقفه ۱ است (که با علامت ستاره مشخص شده) و نشانگر برآورد مدل انتخابی VAR با وقفه ۱ برای اقتصاد ایران است. نکته‌ای که باید در زمینه آزمون وقفه بهینه ذکر شود این است که، برای آنکه از نظر اقتصادسنجی صحت مدل زیر سؤال نرود حداقل درجه آزادی برای مدل در نظر گرفته شده و بعد وقفه بهینه از میان وقفه‌های ممکن با توجه به معیارهای مختلف انتخاب شده است. در این مدل چون پنج متغیر درون‌زا وجود دارد، و ۳۳ مشاهده (دوره‌ی زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۳) آزمون تعداد وقفه‌های بهینه بین وقفه‌های ۰ و ۲ صورت گرفته که وقفه ۱ به عنوان وقفه بهینه انتخاب شد.

جدول ۵- آزمون تعیین تعداد وقفه بهینه

وقفه	معیار آکائیک AIC	معیار شوارز بیزین SBC	معیار حنان کوئین HQ
۰	۰/۹۶	۰/۲۳	۰/۸۸
۱	۱۰/۳۷	* ۸/۹۸	* ۹/۹۲
۲	* ۱۰/۵۲	۷/۹۷	۹/۶۹

محاسبات تحقیق

۳-۴. تخمین الگوی VAR: نتیجه آزمون‌های مقدماتی انجام گرفته در قسمت‌های قبل، نشان می‌دهد که می‌توان از روش VAR برای تخمین استفاده نمود. برای این منظور، برآوردها انجام گرفت. نتایج حاصل از تخمین در جدول (۶) گزارش شده است. برای تفسیر نتایج به این نکته باید توجه کرد که اساساً در تخمین دستگاه معادلات ضرایب و درصد توضیح‌دهندگی پارامترهای الگو اهمیت روش‌های تک معادله‌ای را ندارند و انتظار نمی‌رود که کلیه ضرایب برآورد شده مربوط به وقفه‌های متغیرها از نظر آماری معنی‌دار باشند اما ممکن است که ضرایب در مجموع بر اساس

آماره‌ی آزمون F معنی دار بوده باشند. ستون اول جدول، معادله تخمین زده شده برای اندازه دولت را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود اثر اندازه دولت بر خود متغیر مثبت است. همچنین اثر رشد اقتصادی و جهانی شدن تجارت و تورم بر اندازه دولت نیز مثبت است. می‌توان گفت که اثر جهانی شدن تجارت با آنچه که رودریک بیان کرد سازگار است. اما تأثیر صنعتی شدن بر اندازه دولت منفی است. آماره‌ی آزمون F معنی دار بودن ضرایب را در مجموع تأیید می‌کند. چون بحث اثرگذاری جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت در سیاست‌گذاری دولت در آینده می‌تواند بسیار بااهمیت باشد لذا بایستی از تحلیل شوک داده‌ها و تجزیه واریانس برای تحلیل‌ها استفاده کرد.

جدول ۶- نتایج حاصل از تخمین الگو به روش VAR

	LGGDP	LGDP	LXMGDP	LDI	LCPI
LGGDP(-1)	0.817356	0.104754	0.016752	-0.078165	-0.038059
t	[ 8.06214]	[ 2.25694]	[ 0.15667]	[-1.21977]	[-0.58960]
LGDP(-1)	0.289424	0.443617	-0.227529	0.031250	-0.061027
t	[ 0.91183]	[ 3.05281]	[-0.67967]	[ 0.15576]	[-0.30197]
LXMGDP(-1)	0.182755	0.229619	0.911937	-0.003904	0.004153
t	[ 1.21487]	[ 3.33409]	[ 5.74780]	[-0.04106]	[ 0.04336]
LDI(-1)	-0.012639	0.069387	0.072340	0.392490	-0.038841
t	[-0.04288]	[ 0.51424]	[ 0.23272]	[ 2.10685]	[-0.20698]
LCPI(-1)	0.006611	0.108899	0.019232	0.100832	1.012157
t	[ 0.07325]	[ 2.63581]	[ 0.20206]	[ 1.76769]	[ 17.6155]
C	-4.546065	5.701834	2.933746	0.683068	0.914599
t	[-1.24678]	[ 3.41569]	[ 0.76288]	[ 0.29638]	[ 0.39396]
R-squared	0.906914	0.964879	0.847587	0.957005	0.998369
Adj. R-squared	0.889013	0.958125	0.818276	0.948737	0.998055
Sum sq. resids	0.371957	0.077960	0.413750	0.148606	0.150785
S.E. equation	0.119608	0.054758	0.126149	0.075602	0.076154
F-statistic	50.66255	142.8596	28.91776	115.7453	3182.089
Log likelihood	25.86937	50.87063	24.16564	40.54902	40.31620
Akaike AIC	-1.241835	-2.804414	-1.135352	-2.159314	-2.144762
Schwarz SC	-0.967010	-2.529589	-0.860527	-1.884488	-1.869937
Mean dependent	-1.380524	12.43980	3.816109	2.392312	3.193892
S.D. dependent	0.359025	0.267592	0.295922	0.333911	1.726659
Determinant Residual Covariance		1.19E-11			
Log Likelihood (d.f. adjusted)		175.4228			
Akaike Information Criteria		-9.088924			
Schwarz Criteria		-7.714796			

## ۵. تحلیل شوک، تجزیه واریانس و جمع بندی

معمولاً در استنتاج نتایج مربوط به یک الگوی خود رگرسیون برداری به توابع واکنش ضربه ای توجه می شود. یک واکنش ضربه ای، مؤلفه های مربوط به متغیرهای درونزا را به شوک ها با جهش هایی که با متغیرهای خاص وارد می شوند تفکیک می کند. سپس تأثیر تغییر در جهش های به اندازه یک انحراف معیار شوک های مقادیر جاری و آینده متغیرهای درونزا را مشخص می کند. ما تأثیر این شوک را در طی دوره ۱۰ ساله مورد بررسی قرار می دهیم. که نتایج در جدول (۷) آمده است. ستون اول دوره ی زمانی شوک (که ۱۰ ساله است) را نشان می دهد. ستون دوم نشان می دهد که هر گاه شوکی یا تکانه ای به اندازه یک انحراف معیار به متغیر اندازه دولت اعمال گردد، اثر آن در ابتدا باعث افزایش اندازه دولت به اندازه ۰/۱۱۹ می شود که در سال دوم تا سال دهم مثبت و کاهشی است و تأثیرات تعدیل شده به سمت شرایط پایدار تمایل پیدا می کند. در ستون سوم هر گاه شوکی به اندازه یک انحراف معیار به متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی اعمال گردد، در سال اول هیچ اثری بر اندازه دولت نداشته اما در سال دوم مثبت و افزایشی و تا سال پنجم ادامه دارد. اثر این شوک از سال ششم تا سال دهم کاهشی و مثبت است. بر اساس ستون چهارم هر گاه شوکی به اندازه یک انحراف معیار به متغیر جهانی شدن تجارت اعمال گردد، در سال اول هیچ اثری بر اندازه دولت نداشته اما از سال دوم تا سال هفتم اثر مثبت و فزاینده بوده، در سال هشتم روند کاهشی و مثبت داشته و تا سال دهم ادامه دارد. در ستون پنجم هر گاه شوکی به اندازه یک انحراف معیار به متغیر صنعتی شدن اعمال گردد، در سال اول هیچ اثری بر اندازه دولت نداشته اما در سال دوم اثر منفی است و از سال سوم تا سال هفتم اثر مثبت و فزاینده بوده، ولی در سال هشتم روند کاهشی و مثبت داشته و تا سال دهم ادامه دارد. در ستون ششم هر گاه شوکی به اندازه یک انحراف معیار به متغیر تورم اعمال گردد، در سال اول هیچ اثری بر اندازه دولت نداشته اما از سال دوم تا سال دهم اثر مثبت و فزاینده بوده است.

جدول ۲ - عکس‌العمل اندازه دولت به تکانه در سایر متغیرها

Period	LGGDP	LGDP	LXMGDP	LDI	LCPI
1	0.119608	0.000000	0.000000	0.000000	0.000000
2	0.103301	0.027063	0.018874	-0.000881	0.000475
3	0.096052	0.039771	0.040592	0.001258	0.003292
4	0.090743	0.044943	0.058996	0.003276	0.006844
5	0.084918	0.045754	0.072249	0.004561	0.010323
6	0.077956	0.043870	0.080242	0.005168	0.013356
7	0.069945	0.040284	0.083541	0.005275	0.015795
8	0.061216	0.035654	0.082949	0.005043	0.017617
9	0.052153	0.030451	0.079309	0.004593	0.018859
10	0.043110	0.025024	0.073417	0.004012	0.019585

۱ - ۵. تجزیه واریانس: تجزیه واریانس مقوله‌ای است که بعد از وارد آمدن شوک مطرح می‌شود. در این روش واریانس خطای پیش‌بینی به عناصری که از شوک‌های هر یک از متغیرها را در بر دارد، تجزیه می‌گردد. لذا می‌توان گفت که تجزیه واریانس به عنوان معیاری برای عملکرد پویایی قادر است به تعیین بی‌ثباتی هر متغیر در مقابل شوک وارده بر هر یک از متغیرهای دیگر مدل بپردازد. نتایج حاصل در جدول (۸) آمده است که خطای واریانس پیش‌بینی متغیر اندازه دولت را برای ۱۰ دوره نشان می‌دهد به این معنی که در طول این ۱۰ دوره هر یک از متغیرهای توضیحی در تغییرات اندازه دولت در کوتاه‌مدت (سال اول) و میان‌مدت (سال دوم تا سال پنجم) و بلندمدت (سال پنجم تا دهم) چقدر است. نتایج دلالت بر آن دارد که در کوتاه‌مدت عامل اثرگذار بر اندازه دولت خود متغیر اندازه دولت است. در میان‌مدت اگر چه سهم متغیرهای تولید ناخالص داخلی حقیقی (رشد اقتصادی) و جهانی شدن تجارت در نوسانات اندازه دولت افزایش یافته لیکن همچنان متغیر تأثیرگذار بر اندازه دولت خود متغیر اندازه دولت است. با این حال در میان‌مدت بعد از خود متغیر اندازه دولت، جهانی شدن تجارت بیشترین توضیح‌دهی نوسانات اندازه دولت در ایران را نشان می‌دهد. در بلندمدت حداکثر ۳۳/۸۱ درصد نوسانات اندازه دولت بوسیله‌ی متغیر جهانی شدن تجارت توضیح داده می‌شود. همانطور که از جدول پیداست در بلندمدت همانند میان‌مدت بعد از خود متغیر اندازه دولت (۵۴/۶۲) متغیر جهانی شدن تجارت (۳۳/۸۱) نسبت به متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی، تورم و صنعتی شدن بیشترین

توضیح‌دهی نوسانات اندازه دولت در ایران را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت متغیر کلیدی در نوسانات میان‌مدت و بلندمدت اندازه دولت، جهانی شدن تجارت است.

جدول ۸- تجزیه واریانس متغیر اندازه دولت

Period	S.E.	LGGDP	LGDP	LXMGDP	LDI	LCPI
1	0.119608	100.0000	0.000000	0.000000	0.000000	0.000000
2	0.161452	95.81993	2.809644	1.366583	0.002977	0.000864
3	0.196302	88.75940	6.005336	5.200442	0.006119	0.028704
4	0.228751	81.10057	8.282538	10.48124	0.025013	0.110644
5	0.258802	74.12578	9.596187	15.98189	0.050594	0.245551
6	0.285699	68.27089	10.23222	21.00263	0.074235	0.420022
7	0.308862	63.54356	10.45619	25.28665	0.092690	0.620918
8	0.328071	59.80193	10.44865	28.80493	0.105786	0.838700
9	0.343431	56.87856	10.32114	31.61898	0.114423	1.066895
10	0.355273	54.62223	10.14064	33.81660	0.119674	1.300856

### جمع‌بندی و ملاحظات

۱- این مقاله به بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اندازه دولت طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۳ می‌پردازد. با ارائه یک مدل اقتصادی که شامل متغیرهای اندازه دولت (نسبت مخارج کل دولت به تولید ناخالص داخلی)، رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی حقیقی)، تورم (شاخص قیمت مصرف‌کننده)، صنعتی شدن و جهانی شدن تجارت (نسبت جمع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی)، و به کمک الگوی خودرگرسیون برداری روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از آزمون دیکی و فولر تعمیم‌یافته مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که تمام متغیرهای پژوهش با یکبار تفاضل‌گیری مانا شدند. سپس وقفه بهینه با تأکید بر معیار شوارز بی‌زین و حنان کوئین مشخص شد و وقفه ۱ به عنوان وقفه بهینه، مدل تخمین زده شد. در تخمین بر اساس خروجی خودرگرسیون برداری مشخص شد که تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت مثبت است. همچنین اثر رشد اقتصادی و تورم بر اندازه دولت مثبت ولی اثر صنعتی شدن بر اندازه دولت منفی است. ۲- با استفاده از تحلیل شوک‌ها مشخص شد که



جهانی شدن تجارت هم در میان مدت و هم در بلندمدت بیشترین اثر را نسبت به سایر متغیرها بر اندازه دولت دارد. ۳- همچنین از جدول تجزیه واریانس به این نتیجه رسیدیم که در میان مدت و بلندمدت بیشترین توضیح دهندگی نوسانات اندازه دولت (بعد از خود متغیر اندازه دولت) از جانب متغیر جهانی شدن تجارت بوده است. ۴- نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که جهانی شدن اقتصاد بیشترین توضیح دهندگی رشد اندازه دولت را در اقتصاد ایران نشان می‌دهد. ۵- لذا می‌توان بر اساس این مقاله به دولت‌مردان و سیاست‌گذاران تذکر داد که چنانچه اقتصاد ایران به سازمان تجارت جهانی بپیوندد بایستی به ریسک‌های خارجی احتمالی و هزینه مربوط به آن توجه نمایند. و از هم‌کنون به دنبال راه‌حل‌های مناسب جهت مقابله با ریسک‌های بین‌المللی باشد. ۶- آزادسازی و مقررات‌زدایی مؤثر و همه‌جانبه در اقتصاد ایران برای نیل به محیط سالم و رقابتی همراه با محدود شدن تصدی اقتصادی دولت بایستی مد نظر قرار گیرد. چرا که جهانی شدن حرکت به سمت بازار، واگذاری تصدی‌گری‌های دولتی به بخش‌های خصوصی و باز شدن بیشتر بخش خصوصی است. ۷- دولت ایران از یک سو با وابستگی زیاد به درآمد نفت، ناکارایی نظام اداری و مالیاتی روبه‌رو است و از سوی دیگر، با فشارهای اقتصاد جهانی و تحولات سریع تکنولوژیکی همراه است. مقابله با این وضعیت، نیازمند اقدامات لازم است. چون جهانی شدن به خودی خود همراه است با کاهش نقش دولت. پس باید دولت به مسیر حداقل کردن تصدی‌گری‌های غیر ضروری خود متمایل گردد. همچنین چه‌بسا در فرایند جهانی شدن (همان‌گونه که در مقاله هم ذکر شد)، حجم دولت نیز بزرگ‌تر می‌شود.

## منابع

- اسماعیلی، غلامرضا (۱۳۸۴)؛ «جهانی شدن یا جهانی سازی؟»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۵۵، فروردین.
- بانک جهانی، (۱۳۷۸)؛ «نقش دولت در جهان در حال تحول»، گروه مترجمین، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چ ۱.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی ایران و ترازنامه، اداره حساب‌های اقتصادی، سال‌های مختلف.
- باولز، پل و واگن بارت، (۱۳۸۰)؛ جهانی شدن و دولت رفاه عمومی، ترجمه: ناصر الهی، فصلنامه فرهنگ اندیشه، شماره ۲، تابستان، ۲۵۳-۲۲۴.
- تقوی، مهدی (۱۳۸۱)؛ «جهان شدن و چالش‌های پیش رو»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۵، تابستان، صص ۳۴-۱۳.
- خیاط‌فراهانی، مهتاب (۱۳۸۵)؛ «آثار و پیامدهای جهانی سازی اقتصاد»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۱، بهمن و اسفند، صص ۷۲-۶۳.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۶)؛ اقتصاد بخش عمومی، دانشگاه مفید، چ ۲.
- \_\_\_\_\_، علی اکبر ناجی میدانی (۱۳۸۲)؛ «شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد و موقعیت ایران»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۹.
- \_\_\_\_\_، روح الله نظری (۱۳۸۵)؛ «دولت و اندازه آن در اقتصاد: مقایسه تطبیقی ایران و جهان»، فصلنامه اقتصاد و جامعه، شماره ۱۰، صص ۱۱۷-۸۶.
- رنانی، محسن، مرتضی سامتی و حسن فرازمنند (۱۳۸۵)؛ «بررسی رابطه تمرکززدایی مالی و اندازه دولت در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۶، بهار، صص ۱۵۱-۱۲۵.
- ساعی، احمد (۱۳۸۷)؛ «جهانی شدن و رابطه آن با فقر»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار، صص ۱۰۱-۷۱.

- غفاری، هادی (۱۳۸۳)؛ بررسی تطبیقی جایگاه و نقش دولت در نظام‌های اقتصادی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چ ۱.
- گجراتی، دامودار (۱۳۷۷)؛ مبانی اقتصادسنجی، حمید ابریشمی، دانشگاه تهران، ج ۲، چ ۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۸۴)؛ اندازه و حجم دولت (درباره لایحه بودجه سال ۸۵ کل کشور)، شماره ۸۶۶۰.
- موشاکوچی، کین هاید (۱۳۸۰)؛ «سرمایه‌داری مبتنی بر سفته‌بازی»، ترجمه یدالله دادگر، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول، شماره ۲، تابستان، ۱۲۴-۱۱۳.
- نهاداندیان، محمد (۱۳۸۵)؛ «ما و جهانی شدن»، مرکز مطالعات جهانی شدن، آذرماه.
- والتر، کنت (۱۳۷۹)؛ جهانی شدن راه بی‌بازگشت، ترجمه محمد اسماعیل امینی، نشریه حیات نو، شماره ۸۰، شهریور.
- وینست، اندرو (۱۳۷۱)؛ نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چ ۱.

- Abizadeh, S. and Gray, J. (1985); "Wagner's Law: A Pooled Time Series Cross Section Comparison", *National Tax Journal*, 38, pp.209-238.
- and Mahmood yosefi, (1988); "growth of government expenditure: the case of. Canada", *Public finance quarterly*, Vol. 16 No. 1, PP. 78-100.
- Balle F., Vaidya A. (2002); "A regional analysis of openness and government size", *Applied Economics Letters*, 9, pp. 289-292.
- Bhat K Sham, (1996); "Political Economy of Public Expenditure and Tax Revenue in India", *The Indian Economic Journal*, Vol 44, no1, PP. 108-119.
- Bird, R. M. (1971); "Wagner's 'Law' of Expanding State Activity", *Public Finance*, 26, pp.1-26.
- Bohl M.T., (1996); "Some International Evidence on Wagner's Law", *Public Finance*, 51(2), pp.185-200.
- Borcherding Thomas; (1985); "The causes of government expenditure growth: A survey of the U.S. evidence", *Journal of Public Economics*, 28(3), pp. 359-382.

- Bretschger L, Hettich F. (2002); "Globalisation, capital mobility and tax competition: theory and evidence for OECD countries", *European Journal of Political Economy*, 18, pp. 695-716.
- Cameron D. (1978); "The expansion of the public economy: a comparative analysis", *American Political Science Review*, 72, pp.1243-1261.
- Diamond, Jack ,(1989); "Government Expenditure and Economic Growth: An Empirical Investigation". *IMF Working Papers*, May.
- Dreher A. (2003); "The influence of globalization on taxes and social policy – An empirical analysis for OECD countries", University of Exeter.
- Economic Freedom of the World, (2007); "Annual Report", Vancouver: The Fraser Institute.
- Gandhi, V. P. (1971); "Wagner's Law of Public Expenditure: Do Recent Cross-Section Studies Confirm it? ", *Public Finance*, 26, pp.44-56.
- Ganti, S. and Kolluri, B. R. (1979); "Wagner's Law of Public Expenditures: Some Efficient Results for the United States", *Public Finance*, 34, pp.225-233.
- Garen J., Trask K. (2005); "Do more open economies have bigger governments? Another look", *Journal of Development Economics*, 77, pp. 533-551.
- Garrett Thomas A and Rhine Russell M,(2006); "On the Size and Growth of Government", *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, January,88(1), pp.13-30.
- Garrett, Geoffrey, (2001); Globalization and Government Spending around the World, *Studies in Comparative International Development*, Winter 2001, Vol 35, No. 4, pp. 3-29.
- Goffman I.J. and D. J. Mahar (1971); "The growth of public expenditure in selected developing nations: Six Caribbean countries", *Public Finance* 26(1), pp. 57-74.
- Huang, Chinng, Ju, (2006); "Government Expenditure in China and Taiwan: Do They Follow Wagner's Law?", *Journal of Economic Development*, Volume 31, Number 2, December, pp.139-148.
- Index of Economic Freedom, (2008); The Heritage Foundation and Dow Jones & Company, *Inc Wall Street Journal*.

- Islam M.Q. (2004); "The long run relationship between openness and government size: evidence from bounds test", *Applied Economics*, 36, pp. 995-1000.
- Kolluri, B. R., Panik, M. J. and Wahab, M. S. (2000); "Government expenditure and economic growth: Evidence from G7 countries", *Applied Economics*, 32, pp. 1059-1068.
- Lee, U.T, Commander S and Davoodi , H.R (1997); "*The Causes and Consequences of Government of Growth and Well-Being*", Manuscript, Washing to D.C, World Bank.
- Mann, A. J. (1980); "Wagner's Law: An Econometric Test for Mexico, 1925-76", *National Tax Journal*, 33, pp.189-201.
- Molana H., Montagna C., Violato M. (2004); "On the causal relationship between trade openness and government size: evidence from 23 OECD countries", mimeo.
- Musgrave, R.A. (1969); "*Fiscal System*", New Haven: Yale University Press.
- Payne J.E. and B.T. Ewing (1996); "*International evidence on Wagner's hypothesis: A cointegration analysis*", *Public Finance* 51(2), pp.258-274.
- Peacock, A. T. (1977); "The Economics of Government", London, Robertson.
- Peacock, A. T. and Wiseman, J. (1979); "*Approaches to the Analysis of Government Expenditure Growth*", *Public Finance Quarterly*, 7, pp.3-23.
- Peacock, A.T. and A. Scott (2000); "*The curious attraction of Wagner's Law*", *Public Choice* 102(1-2), pp.1-17.
- Pryor, F. L. (1969); "Public Expenditures in Communist and Capitalist Nations".
- Ram, R. (1987); "Wagner's Hypothesis in Time-Series and Cross-Section Perspectives: Evidence from 'Real' Data for 115 Countries", *Review of Economics and Statistics*; 69, pp.194-204.
- Rodrik D. (1998); "Why do more open economies have bigger governments?", *Journal of Political Economy*, 106(5), 997-1032.
- Rosen, H, (2005); "Public Finance", New York, McGraw Hill.
- Sanz I., Velázquez F.J. (2003); "Does globalization increase government size? An analysis of the effects of foreign direct investment on total government expenditures and its components", mimeo.

- Sims, C. A. (1980); "Macroeconomics and Reality". *Econometrica*, vol. 48, pp 1-48.
- Sinha, D, (2007); "Does the Wagner's Law hold for Thailand? Japan and Macquarie University, Australia, 26. February, MPRA, No. 2560
- Ter-Minassian, Teresa (2007); "Globalization, Financial Markets, and Fiscal Policy", *International Monetary Fund*, November 16.
- Wahab, M. (2004); "Economic growth and expenditure: evidence from a new test specification", *Applied Economics*, 36, pp.2125-2135.
- World Bank Report, (2003); Washington DC.
- World Bank, (1997); "The World Bank report on the growing poverty in the developing countries", Washington, World Bank, summer.
- Yak ,Wing .(2005); "Government Size and Economic Growth: For the United Kingdom", *Econometrics Working Paper EWP 0501*, January.

